

استعاره‌پردازی برای بازنمایی مرگ

راهنما برای کاردرمانگران

نویسندگان:

Alexie Aylwin, Léanne Bérard, Sarah-Maude Boivin,

Andréane Grondin, Catherine Tremblay, Jessica Tremblay

دانشجویان کارشناسی ارشد کاردرمانی در Université de Sherbrooke

با سرپرستی پروفسور Manon Guay ***(کاردرمانگر، دارای دکتری) و پروفسور*** Alfonso Santarpia ***(دارای دکتری)***

مجوز: Attribution – NonCommercial – NoDerivatives ٤,٠ International (CC BY-NC-ND ٤,٠)

آوریل ۲۰۲۳

فهرست مطالب

مقدمه ۳

استعاره‌پردازی ٤

مراحل درگیر کردن یک فرد در فرایند استعاره‌پردازی ٥

۱. تأمل درباره برداشت و نگرش شخصی خود نسبت به مرگ ٥

۲. فراهم کردن مکانی آرام و دنج ٥

۳. پیشنهاد مشارکت در فرایند استعاره‌پردازی به فرد ٥

٤. دعوت از فرد برای خلق استعاره‌ای از مرگ ٦

٥. استفاده از واژگانی اطمینان‌بخش و متناسب، بدون آموزش یا جهت‌دهی ٦

٦. همراهی فرد در مرور و تأمل درباره اثر خلق‌شده ۷

۷. گشوده ماندن نسبت به گفت‌وگوهایی که این فعالیت ممکن است برانگیزد ۷

آثار بالقوه استعاره‌پردازی ۸

نمونه‌هایی از اثرات مستندشده‌ی استعاره‌پردازی مرگ ۹

نمونه‌هایی از استعاره‌پردازی مرگ و معنای آن‌ها ۹

۱. مار اوریگامی ۱۰

۲. همزیستی با مرگ ۱۱

۳. مسیر زندگی ۱۲

٤. بافتن مرگ ۱۳

نتیجه‌گیری ۱٤

قدردانی ۱٤

پیوست ۱٥

آثار استعاره‌پردازی درباره مرگ بر بهزیستی ۱٥

تسهیل ارتباط از طریق استعاره‌پردازی ۱۷

کتاب‌نامه ۱۹

یادداشت درباره‌ی این ترجمه

این سند، ترجمه‌ی فارسیِ غیررسمیِ راهنمای زیر است:

La métaphorisation pour représenter la mort – Guide à l'intention des ergothérapeutes

Aylwin, Bérard, Boivin, Grondin, Tremblay & Tremblay; supervised by Manon Guay and Alfonso Santarpia, Université de Sherbrooke, April ۲۰۲۳

این ترجمه با اجازه‌ی نویسنده‌ی مسئول، پروفسور Manon Guay، و تنها برای اهداف آموزشی و غیرتجاری تهیه شده است.

متن اصلی فرانسوی مرجع معتبر است و در صورت هرگونه ناهمخوانی، نسخه‌ی اصلی ملاک خواهد بود.

اصطلاحات تخصصی مانند Metaphorization، Art therapy و Palliative care عمداً به انگلیسی حفظ شده‌اند. عنوان و مشخصات منابع در کتاب‌شناسی به زبان اصلی باقی مانده است.

اثر اصلی با مجوز .منتشر شده است؛ لطفاً هنگام استفاده، نویسندگان اصلی را ذکر کنید و در متن تغییری ایجاد نکنید CC BY-NC-ND ٤,٠

متن اصلی: https://www.usherbrooke.ca/readaptation/fileadmin/sites/readaptation/documents/Symposium/۲۰۲۳/transfert_connaissance_etudiants/La_metaphorisation_pour_representer_la_mort_guide_avril_۲۰۲۳.pdf

مقدمه

استفاده از استعاره‌پردازی برای بازنمایی مرگ، فوایدی برای فرد به همراه دارد؛ از جمله ارتقای بهزیستی و تسهیل ارتباط.

بنابراین، کاردرمانگران می‌توانند از استعاره‌پردازی برای حمایت از افرادی استفاده کنند که درباره مرگ، چه مرگ خودشان و چه مرگ دیگران، تأمل و پرسش می‌کنند؛ خواه این مرگ قابل پیش‌بینی و مورد انتظار باشد و خواه نباشد.

از آنجا که بسیاری از افراد برای صحبت کردن درباره این موضوع احساس راحتی نمی‌کنند، استعاره‌پردازی درباره مرگ می‌تواند روشی مناسب و در اولویت برای تسهیل گفت‌وگو در این زمینه باشد.

در این راهنما، **مرگ ارادی (Mort délibérée)** به وضعیتی اشاره دارد که در آن فرد، به‌صورت آزادانه، مرگ خود را برنامه‌ریزی می‌کند، برای آن تدارک می‌بیند یا روند وقوع آن را تسریع می‌کند؛ برای مثال، در چارچوب کمک پزشکی به مردن (Medical Assistance in Dying یا MAiD در کشور کانادا) (Guay et al., ۲۰۲۲).

مرگ غیرارادی (Mort non délibérée) به پایان یافتن زندگی در نتیجه رویدادی اشاره دارد که خارج از کنترل ماست.

به‌طور خلاصه، این راهنما مزایای استفاده از هنردرمانی و استعاره را برای پرداختن به موضوع مرگ با افراد، چه در پایان زندگی باشند و چه در چنین شرایطی نباشند، تشریح می‌کند.

این راهنما به کاردرمانگران امکان می‌دهد این شکل از مداخله و منافع بالقوه آن را بررسی کنند تا در نهایت بتوانند آن را در فرایند حرفه‌ای خود به کار گیرند.

استعاره‌پردازی درباره مرگ می‌تواند:

- **-چارچوب و راهنمایی لازم را فراهم کند** تا کاردرمانگر بتواند با ظرافت و حساسیت، موضوع مرگ را با فرد مطرح کند.
- **-آمادگی و تمایل فرد برای حضور در جلسات کاردرمانی را افزایش دهد**؛ زیرا ممکن است علائم جسمانی، عاطفی و روان‌شناختی او کاهش یابند.
- **-به افراد کمک کند تا برای مدتی از رنج‌ها و دشواری‌های روزمره خود فاصله بگیرند**؛ این امر از طریق خلق یک نقش برای خود، شکستن انزوای اجتماعی و فراهم شدن امکان گریز ذهنی از شرایط موجود صورت می‌گیرد.

این راهنما به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده است که ابتدا مفهوم استعاره‌پردازی را تعریف می‌کند، سپس مراحل درگیر کردن فرد در این فعالیت را به تصویر می‌کشد، آثار و پیامدهای بالقوه استعاره‌پردازی را شرح می‌دهد و در نهایت، نمونه‌هایی از آثار خلق‌شده را ارائه می‌کند.

همچنین، خلاصه‌ای از آثار و پیامدهای استعاره‌پردازی در پیوست راهنما ارائه شده است.



استعاره‌پردازی(Métaphorisation)

مرگ هم در حوزه‌های حرفه‌ای و هم در حوزه‌های شخصی زندگی افراد حضور دارد. با این حال، صحبت کردن درباره مرگ همچنان برای برخی از افراد، از جمله متخصصان حوزه سلامت، نزدیکان فرد و کسانی که در پایان زندگی قرار دارند، دشوار است. این دشواری به‌ویژه به دلیل کمبود منابع و آموزش‌های مرتبط با این موضوع وجود دارد.

بر اساس تعریف دفتر زبان فرانسوی کبک (Office québécois de la langue française)، استعاره‌پردازی عبارت است از **انتقال معنا از طریق استعاره**.

به‌طور دقیق‌تر، در این راهنما، استعاره‌پردازی به معنای استفاده از استعاره از طریق رسانه‌ها و ابزارهای هنری، با هدف پرداختن به موضوع مرگ است؛ خواه مرگ ارادی باشد و خواه غیرارادی.

استعاره می‌تواند وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و صحبت کردن با افراد درباره مرگ باشد. در این روش، می‌توان از موضوعاتی مانند **سفر، ورزش و طبیعت** به‌عنوان مبنایی برای شکل‌گیری استعاره استفاده کرد (Cameron, ۲۰۰۳; Lakoff & Johnson, ۱۹۸۰, ۱۹۹۹; Gibbs, ۱۹۹٤; Mazza, ۱۹۹۹; Reiter, ۱۹۹۷; Ritchie, ۲۰۰۳; Santarpia, ۲۰۲۱).

از نظر اورتونی(Ortony, ۱۹۹۳) ، استعاره شگردی است که از طریق آن، **یک موقعیت واقعی با کمک یک موقعیت فرضی توصیف می‌شود.**

خلق آثار هنری، از جمله نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی یا رقص، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای پرداختن به موضوع مرگ با افرادی که در پایان زندگی خود قرار دارند نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در واقع، شیوه‌های مختلفی برای انجام این کار وجود دارد؛ از جمله:

- خلق اثر هنری توسط خود افراد؛
- خلق اثر هنری توسط کاردرمانگران؛
- خلق اثر هنری از طریق همکاری مشترک میان فرد و کاردرمانگر.

فرایند هنری با هدف پرداختن به مرگ و تمام جنبه‌های مرتبط با آن به کار گرفته می‌شود. بنابراین، **داشتن استعداد یا مهارت هنری، هدف نهایی این فرایند محسوب نمی‌شود.**

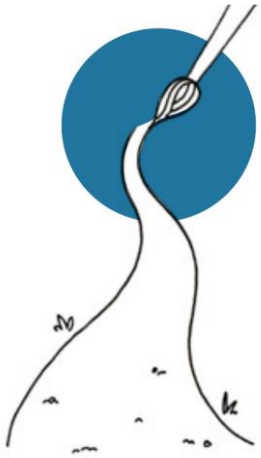

مراحل درگیر کردن فرد در فرایند استعاره‌پردازی

۱
مرحله اول: تأمل درباره برداشت و تصور شخصی خود از مرگ

پرداختن به موضوع مرگ با فرد، بدون آنکه ابتدا برداشت و تصور شخصی خودمان از مرگ را بررسی کرده باشیم، دشوار است.

برای مثال، با خلق یک اثر هنری یا تهیه یک ابر واژگان (Word Cloud) با موضوع مرگ، ممکن است پرسش‌ها و تأملاتی در ذهن شکل بگیرند که به روشن‌تر شدن دیدگاه خودمان درباره مرگ کمک کنند.

هنگامی که از پیش‌داوری‌ها، ترس‌ها و تأملات خود آگاه باشیم، همراهی با فرد آسان‌تر خواهد بود و می‌توانیم با سهولت بیشتر و بدون قضاوت او را در این فرایند همراهی کنیم.

۲
مرحله دوم: فراهم کردن مکانی آرام و دنج

فرایند استعاره‌پردازی درباره مرگ با فرد باید در محیطی آرام و خصوصی انجام شود تا او احساس اعتماد و امنیت کند و برای بیان افکار و احساسات خود آمادگی داشته باشد.

ممکن است فرد در جریان این فرایند، هیجان‌های شدیدی را تجربه کند. بنابراین، مهم است که این فعالیت در مکانی انجام شود که ضمن حفظ محرمانگی، فضایی امن و اطمینان‌بخش فراهم کند.

همچنین، بهتر است بلندگویی در دسترس باشد تا بتوان موسیقی پخش کرد؛ ترجیحاً موسیقی‌ای که خود فرد انتخاب می‌کند. در واقع، موسیقی می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد و به فرد در بیان هیجان‌هایش کمک کند.

۳
مرحله سوم: پیشنهاد مشارکت در فرایند استعاره‌پردازی به فرد

همه افراد تمایل ندارند در چنین فعالیتی مشارکت کنند. بنابراین، لازم است ابتدا علاقه و تمایل فرد بررسی شود؛ زیرا اهمیت دارد که این فعالیت برای خود او معنادار باشد.

همچنین، می‌توان روند برگزاری جلسه، انتخاب‌هایی را که پیش روی فرد قرار دارد و فواید احتمالی حاصل از این فعالیت را برای او توضیح داد.

٤
مرحله چهارم: دعوت از فرد برای استعاره‌پردازی درباره مرگ

مهم است که روش‌های مختلفی را برای انجام این فعالیت به فرد پیشنهاد دهیم؛ برای مثال: - نقاشی با رنگ؛ - کلاژ - طراحی؛ - شعرسرایی؛ - مجسمه‌سازی؛ - رقص؛ - استفاده از واژگان و میدان معنایی مرتبط با مرگ؛ - تفسیر و اجرای موسیقی. امکانات و روش‌های انجام این کار بی‌نهایت هستند.بنابراین، مناسب است مواد و ابزارهای متنوعی در اختیار فرد قرار دهیم تا بتواند گزینه‌ای را انتخاب کند که با او تناسب داشته باشد و بتواند با آن ارتباط برقرار کند و خود را در آن بازشناسد.می‌توان انواع کاغذ، مداد، تصاویر و ابزارهای هنری را در اختیار مراجعان قرار داد.همچنین، نشان دادن آثار خلق‌شده توسط افراد دیگر می‌تواند برای برخی از مراجعان اطمینان‌بخش یا الهام‌بخش باشد؛ البته به شرط آنکه صاحبان آن آثار با به‌اشتراک‌گذاری آثارشان موافقت کرده باشند.

٥
مرحله پنجم: استفاده از واژگان اطمینان‌بخش و متناسب، بدون آموزش یا جهت‌دهی

فرد باید در طول این فرایند احساس اعتماد، امنیت و همراهی داشته باشد؛ اما در عین حال باید احساس کند که در خلق اثر خود آزادی عمل دارد. کامیلا کانل(Camilla Connell) ، هنردرمانگر بیمارستان رویال مارسدن لندن، در سال ۱۹۹۲ پیشنهاد می‌کند که به فرد نگوییم: - «احساساتت را نقاشی کن.» - «سرطانت را نقاشی کن.» - در این «بازی» خلق اثر شرکت کن. فرد نباید احساس کند که با او مانند یک کودک رفتار می‌شود یا او را کودک‌انگارانه تلقی می‌کنند. واژه‌هایی مانند «اکتشاف»، «آزمایش و تجربه کردن»، «تجربه» و «لذت بردن از...» گزینه‌های مناسبی هستند؛ زیرا فضایی امن برای خلق اثر فراهم می‌کنند که در آن هیچ انتظار یا پیش‌فرضی درباره نتیجه کار وجود ندارد. علاوه بر این، مهم است که به فرد درباره اینکه چه چیزی خلق کند یا از چه تکنیک هنری استفاده کند، جهت‌دهی نکنیم؛ مگر آنکه فرد در مواجهه با این میزان از آزادی عمل احساس ناراحتی یا سردرگمی کند.



٦ مرحله ششم: همراهی با فرد برای مرور و تأمل درباره اثر خلق‌شده

هنگامی که فرد به ما اطلاع می‌دهد که کارش به پایان رسیده است، لازم است فرصتی برای مرور و گفت‌وگو درباره اثر خلق‌شده فراهم کنیم. باید فرد را به تأمل درباره آنچه خلق کرده است، دعوت کنیم. هدف این نیست که کاردرمانگر معنای اثر خلق‌شده توسط فرد را درک یا تفسیر کند؛ بلکه هدف این است که خود فرد بتواند میان اثر خلق‌شده و احساسات و تجربه درونی‌اش ارتباط برقرار کند. کاردرمانگر با طرح پرسش‌های باز، به فرد کمک می‌کند تا درباره اثر خود تأمل کند. اگر فرد در بیان افکار و ایده‌هایش با کلمات مشکل داشته باشد، الزامی نیست که این تأملات حتماً به‌صورت کلامی بیان شوند؛ زیرا استعاره‌پردازی درباره مرگ این امکان را فراهم می‌کند که فرد از طریق بازنمایی تصویری و نمادین، ارتباط برقرار کند.

نمونه‌هایی از پرسش‌هایی که می‌توانند گفت‌وگو را تشویق و تسهیل کنند:

- دوست دارید درباره اثری که خلق کرده‌اید، چه چیزی برای من تعریف کنید؟
- در طول فرایند تجربه و خلق اثر، چه احساسی داشتید؟
- این بخش (با اشاره به یکی از عناصر اثر) برای شما چه معنایی دارد؟
- اثر خلق‌شده شما چه چیزی را بازنمایی می‌کند؟ تصاویر و نمادهای آن چه معنایی دارند؟
- چه چیزی باعث شد این رنگ یا این الگو را انتخاب کنید؟
- چیدمان تصاویر یا نمادها در اثر شما چه چیزی را نشان می‌دهد؟
- میان اثری که خلق کرده‌اید و مرگ در زندگی شما چه ارتباطی وجود دارد؟
- چه چیزی باعث شد این شیوه یا قالب خاص را برای استعاره‌پردازی درباره مرگ انتخاب کنید؟
- شما چه ارتباطی میان این دو عنصر برقرار می‌کنید؟
- چه چیزی باعث شد این نوع مواد و ابزار را انتخاب کنید؟
- در این قسمت، یک عنصر بزرگ‌تر از سایر عناصر نمایش داده شده است؛ چه چیزی در انتخاب این اندازه تأثیر داشته است؟
- دوست دارم معنای این عنصر را بدانم. آیا مایل هستید آن را با من در میان بگذارید؟

٧ مرحله هفتم: آمادگی برای گفت‌وگوهایی که ممکن است در پی توضیح و تفسیر اثر شکل بگیرند

تجربه استعاره‌پردازی درباره مرگ ممکن است حتی پس از پایان فعالیت نیز تأملاتی را در ذهن فرد برانگیزد.

ممکن است فرد چند ساعت، چند روز یا حتی چند هفته پس از پایان فعالیت به سراغ شما بیاید و درباره احساسات خود با شما صحبت کند.

در چنین شرایطی:

- برای شنیدن و همراهی با فرد در دسترس باشید.
- از بهزیستی و وضعیت او اطمینان حاصل کنید.
- در صورت نیاز، او را به متخصص یا فرد حرفه‌ای مرتبط ارجاع دهید.

آثار و پیامدهای بالقوه استعاره‌پردازی

استعاره‌پردازی درباره مرگ می‌تواند به ارتقای بهزیستی افرادی کمک کند که با مرگ مواجه هستند یا درباره این موضوع پرسش‌ها و تأملاتی دارند. آثاری که در ادامه نام برده شده‌اند، به‌تفصیل در پیوست این راهنما شرح داده شده‌اند.

ارتقای بهزیستی از طریق استعاره‌پردازی



۱. مدیریت علائم و نشانه‌ها
۲. شکستن انزوای اجتماعی
۳. پذیرش وضعیت خود
٤. افزایش عزت‌نفس
٥. فاصله گرفتن موقت از واقعیت موجود یا گریز ذهنی
٦. تجربه کنترل و احساس تسلط بر شرایط
۷. ایجاد یا بازیابی یک نقش برای خود

تسهیل ارتباط از طریق استعاره‌پردازی

۱. برقراری ارتباط با خود
۲. برقراری ارتباط با دیگران
- بهبود روابط اجتماعی
- برقراری ارتباط بدون نیاز به بیان مستقیم موضوعات
- بیان و برقراری ارتباط، به‌صورت کلامی یا غیرکلامی

نمادپردازی زندگی و مرگ از طریق استعاره‌پردازی درباره مرگ

۱. سوگواری‌ها و فقدان‌ها
۲. معنویت
۳. موضوعات و مسائلی که در جریان فرایند مطرح می‌شوند
٤. تفسیر و معنایابی مؤلفه‌های هنری

نمونه‌هایی از آثار و پیامدهای مستندشده استعاره‌پردازی درباره مرگ

استعاره‌پردازی درباره مرگ این امکان را فراهم می‌کند که فرد یک فعالیت معنادار در برنامه روزانه خود داشته باشد.برای مثال، سونگ‌اون پارک و هیون‌جو سونگ (Sungeun Park & Hyunjoo Song, ۲۰۲۰a) گزارش کرده‌اند که یکی از افراد شرکت‌کننده، دوباره از تخت خود خارج می‌شد تا در جلسات خلق اثر هنری شرکت کند. او با اشتیاق منتظر برگزاری این جلسات بود.

استعاره‌پردازی همچنین به فرد کمک می‌کند احساسات خود را توصیف و بیان کند.برای مثال، در مطالعه‌ای، فردی توانسته بود اشتیاق بیشتری نسبت به زندگی نشان دهد و نگرش خوش‌بینانه‌تری پیدا کند.(Lin et al., ۲۰۱۲)

همچنین، فردی که در یک مرکز اقامتی زندگی می‌کرد، دچار اختلال عصب‌شناختی ـ شناختی (Neurocognitive Disorder)بود و در مرحله پایانی زندگی قرار داشت، توانست احساسات خود را از طریق استعاره‌ها بیان کند (Morrow et al., ۱۹۹۷).برای مثال، او بیان کرده بود که در خواب‌هایش از پنجره‌ها به بیرون می‌رود. این تصویر نمادین، بیانگر احساس او از گرفتار بودن و تنهایی در مرکز اقامتی محل زندگی‌اش بود.

.

نمونه‌هایی از استعاره‌پردازی درباره مرگ و معنای آن‌ها



تجربه‌ها و روایت‌های کاردرمانگران که در ادامه ارائه شده‌اند، چندین مضمون مختلف را به تصویر می‌کشند؛ از جمله: - احساس ناراحتی و معذب بودن؛ - ناامیدی؛ - کمک پزشکی به مردن؛ - انزوای اجتماعی؛ - خشم؛ - رنج و درد؛ - رهایی و رستگاری. این مضامین از طریق استفاده از تشبیه‌ها و قیاس‌ها، نمادها، اشیا و داستان‌ها بازنمایی شده‌اند.
همچنین، برخی مضامین دیگر نیز ممکن است در جریان استعاره‌پردازی درباره مرگ پدیدار شوند؛ از جمله: - مسیر یا راه؛ - درخت؛ - باغ؛ - مانع یا حصار؛ - دوران کودکی؛ - مسئولیت‌پذیری.

۱

مار اوریگامی

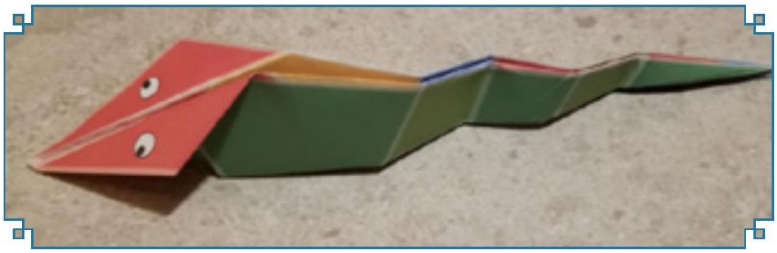

برداشت من از مرگ = یک مار

چرا مار را انتخاب کردم؟

زیرا باور دارم که می‌توانم برای مرگ خودم آماده شوم؛ به همین دلیل، رسانه یا شیوه هنری «ساختن و شکل دادن» را انتخاب کردم و از هنر اوریگامی (ساخت اشکال با کاغذ) استفاده کردم.

مرگ از دیدگاه شخصی من:

- من در زندگی شخصی‌ام چند بار با مرگ مواجه شده‌ام (مرگ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و عمه‌ام)، اما مار موجودی نسبتاً نادر و کم‌پیداست.
- اغلب متوجه حضورش نمی‌شویم تا زمانی که ناگهان ظاهر شود.
- ممکن است به‌سرعت و به‌طور ناگهانی پدیدار شود.
- می‌تواند شکار کند و جان انسان‌ها را بگیرد.
- ممکن است در نگاه اول ترسناک باشد، اما می‌توانم آن را اهلی کنم و با آن خو بگیرم.
- کنترل و مهار مار دشوار است و باعث احساس ناراحتی و معذب بودن می‌شود.
- موجودی است که ترجیح می‌دهیم از خود دور نگه داریم.
- سرد است.

مرگ از دیدگاه حرفه‌ای من به‌عنوان کاردرمانگر:

- -شاید به این دلیل که در زندگی شخصی‌ام کمتر با مرگ مواجه شده‌ام، از آن نمی‌ترسم. در محیط کاری خود، به‌ویژه در مراقبت‌های تسکینی، بارها با مرگ روبه‌رو شده‌ام. آموخته‌ام که ما نقش معناداری در این فرایند داریم و می‌توانیم در بهبود کیفیت زندگی این گروه از مراجعان تفاوت ایجاد کنیم. (وقتی تجربه‌مان بیشتر می‌شود، در مواجهه با مار واکنش‌پذیری و ترس کمتری نشان می‌دهیم.)
- -مداخله در مراقبت‌های تسکینی و پایان زندگی، ما را به زندگی در لحظه حال سوق می‌دهد؛ درست مانند مواجهه با یک مار که چالشی مربوط به همان لحظه است و باید در همان لحظه با آن روبه‌رو شد!
- -مشاهده کرده‌ام که این مرحله از زندگی می‌تواند اعضای خانواده را به یکدیگر نزدیک کند و اعضای خانواده و متخصصان مراقبت را به‌سرعت برای حمایت و اقدام بسیج کند. (همان‌طور که اگر ماری در نزدیکی یکی از عزیزانمان ظاهر شود، سریع خود را به آنجا می‌رسانیم!)
- -این موقعیت به آرامش و توانایی پذیرش و همراهی با دیگری نیاز دارد. (وقتی ماری را می‌بینیم، بهتر است آرامش خود را حفظ کنیم!)

۲
همزیستی و مواجهه با مرگ



نخستین مواجهه من با مرگ در جایگاه یک کاردرمانگر، تجربه لحظات پایانی زندگی بیماری بود که به مدت چندین ماه، هفته‌ای سه بار، در بخش توان‌بخشی بیمارستان او را پیگیری می‌کردم. او پس از مشاهده اینکه وضعیت جسمانی‌اش، در پی تشخیص سندرم گیلن‌باره(Guillain-Barré) ، بهبود چندانی پیدا نکرده است، تصمیم گرفت به زندگی خود پایان دهد. کلاژی که خلق کرده‌ام، سوگواری او برای زندگی گذشته‌اش و فرایند تصمیم‌گیری‌ای را نشان می‌دهد که احتمالاً برای او چندان آسان نبوده است. از طرف خودم، نقش حرفه‌ای من بر بهبود توانایی‌های او و استفاده از راهبردهای جبرانی متمرکز بود تا به او کمک کنم یاد بگیرد با محدودیت‌هایش زندگی کند. بنابراین، پذیرش تصمیم او برایم دشوار بود؛ زیرا با خودم فکر می‌کردم که در واقع در انجام وظیفه حرفه‌ای‌ام شکست خورده‌ام. علاوه بر این، درک این انتخاب برایم دشوار بود؛ چراکه مرگ همچنان مسیری تاریک و ناشناخته است که گاهی هنوز هم از آن می‌ترسم... جلسات پایانی برایم دشوار بودند؛ زیرا رابطه بسیار خوبی با او شکل داده بودم و از طرفی، به‌عنوان یک «درمانگر»، با خودم می‌گفتم که باید قوی باشم تا بتوانم در این مسیر همراهی‌اش کنم و با او خداحافظی کنم.

چگونه باید با فردی که قرار است بمیرد، خداحافظی کرد؟

در دانشگاه به ما یاد می‌دهند که همواره همدل باقی بمانیم؛ اما در آن لحظه نتوانستم جلوی اشک‌هایم را بگیرم و از شدت اندوه گریه کردم. در آن زمان، همسر بیمار عکسی از او و من به من هدیه داد؛ عکسی که هنوز باارزش و عزیز نگهش داشته‌ام. این عکس به من یادآوری می‌کند که مرگ می‌تواند زیبا نیز باشد و سرچشمه‌ای برای امیدواری باشد. اما زیباترین هدیه، تشکر همسر او از من به خاطر کار خوب و تلاش‌هایی بود که برای همسرش انجام داده بودم. اکنون که با فاصله زمانی به آن تجربه نگاه می‌کنم، انتخاب او و همچنین نقش خودمان را به‌عنوان کاردرمانگر، بسیار بهتر درک می‌کنم.

۳

مسیر زندگی

مرگ بخشی از مسیری است که در زندگی طی می‌کنیم؛ در واقع، مرگ نقطه پایانی این مسیر است.

پیش از آنکه مرگ فرا برسد، مسیر زندگی با موانع و دشواری‌های مختلفی همراه است. این موانع فرصت‌هایی در اختیار ما قرار می‌دهند تا بنشینیم، سرعت خود را کم کنیم یا مسیرمان را ادامه دهیم؛ البته با تغییر دادن شیوه قدم برداشتنمان تا زمین نخوریم و از مسیر خارج نشویم.

در همین حال، زندگی برای اطرافیان ما همچنان ادامه دارد و هنوز چیزهای زیبایی وجود دارند که می‌توان به آن‌ها نگاه کرد، آن‌ها را تماشا کرد و از آن‌ها لذت برد؛ همان‌طور که در دو سوی یک مسیر، مناظر زیبایی وجود دارند.

بر اساس باورهای من، هنگامی که مرگ نزدیک می‌شود و سرانجام فرا می‌رسد، رهایی از رنج‌های جسمانی و روان‌شناختی اتفاق می‌افتد. به همین دلیل است که در انتهای این مسیر، این‌همه روشنایی وجود دارد.



٤

بافتن مرگ



مرگ، درست مانند زندگی، رنگارنگ است.

سیاه؛ برای خودکشی عزیزانم و ناگفته‌هایی که همچنان در اطرافم پرسه می‌زنند.

طلایی؛ برای مرگی که تاج پایانی زندگی پربار انسان‌های شگفت‌انگیزی می‌شود که هنوز در کنارم هستند.

آبی؛ برای احساس کمال و آرامشی که از در آغوش گرفتن مرگ و مواجهه تمام‌عیار با آن در خانه خود به دست می‌آید؛ احساسی که بازتابی از شدت و شکوه تجربه تولدهای خانگی است.

قرمز؛ برای مرگ فرزندم؛ زخمی که خون‌ریزی آن هرگز پایان نخواهد یافت.

قهوه‌ای؛ برای مرگ خودم و خودِ مرگ؛ دو موضوعی که ذهنم را به کنجکاوی وامی‌دارند و بخش زیادی از اندیشه و مشغولیت ذهنی‌ام را به خود اختصاص می‌دهند.

این مرگ‌ها، با گذشت روزها، روی مچ دستم روی هم انباشته می‌شوند و در هم می‌پیچند.

من مرگ را با خود حمل می‌کنم، زیرا زنده‌ام.

نتیجه‌گیری

در پایان، استفاده از استعاره‌پردازی درباره مرگ می‌تواند به ارتقای بهزیستی، تسهیل ارتباط و نمادپردازی زندگی و همچنین مرگ کمک کند.

کاردرمانگری که در پرداختن به موضوع مرگ احساس ناراحتی یا عدم اطمینان می‌کند، می‌تواند از طریق استعاره‌پردازی به این موضوع ورود کند.این مداخله را می‌توان به شیوه‌های مختلفی به کار گرفت و در اجرای آن آزادی عمل زیادی وجود دارد.

امیدواریم گنجاندن موضوع استعاره‌پردازی درباره مرگ در برنامه آموزشی رشته کاردرمانی دانشگاه شربروک، زمینه‌ای فراهم کند تا این مداخله به‌تدریج بیش از پیش در کار با افراد، به‌ویژه کسانی که در پایان زندگی خود قرار دارند، مورد استفاده قرار گیرد.

قدردانی

مایلیم از آلفونسو سانتارپیا (Alfonso Santarpia)، دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شربروک، به دلیل مشارکت و راهنمایی‌هایش در زمینه استفاده از استعاره در بستر مراقبت‌های تسکینی و همچنین توصیه‌های ارزشمندش در تمام مراحل پژوهش و تدوین این راهنما، قدردانی کنیم.

همچنین از افرادی که آثار هنری خود را در اختیار ما قرار دادند تا در این راهنما گنجانده شوند، سپاسگزاریم. این آثار به افراد بسیاری کمک خواهند کرد تا درک بهتری از گستردگی کاربردهای استعاره‌پردازی درباره مرگ به دست آورند.

در پایان، از مانُن گِه(Manon Guay) ، کاردرمانگر و دارنده مدرک دکتری (Ph.D.)، که به مدت یک سال و نیم در این پروژه بر کار ما نظارت داشتند، تشکر می‌کنیم.

از اصلاحات، حمایت و دانش ارزشمندتان سپاسگزاریم.

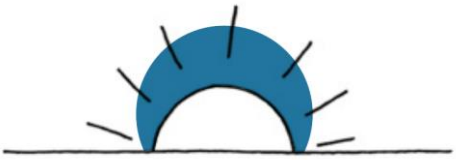

پیوست

اطلاعات زیر، آثار و پیامدهای بالقوه مداخله از طریق استعاره‌پردازی را ارائه می‌کنند. این جمع‌بندی حاصل مرور متون علمی است که از ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۲ توسط شش دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد کاردرمانی انجام شده است: الکسی آلوین (Alexie Aylwin)، لئان برار (Léanne Bérard)، سارا-مود بووَن (Sarah-Maude Boivin)، آندران گروندَن (Andréane Grondin)، کاترین ترمبلی (Catherine Tremblay) و جسیکا ترمبلی (Jessica Tremblay). این مرور با نظارت و بازبینی پروفسور مانُن گِه (Manon Guay)، کاردرمانگر و دارنده مدرک دکتری (Ph.D.)، در چارچوب یک پروژه کارشناسی ارشد در دانشگاه شربروک انجام شده است. به‌طور دقیق‌تر، یک مرور دامنه‌ای متون علمی (Scoping Review) بر اساس چارچوب آرکسی و اُمالی (Arksey & O'Malley, ۲۰۰۵) انجام شد. در این فرایند، پایگاه‌های اطلاعاتی زیر مورد جست‌وجو قرار گرفتند: - Medline - Ageline - CINAHL - PsychInfo - AMED - Social Work Abstracts - Healthcare Administration Database - Nursing and Allied Health Database - Psychology Database - Social Science Database - Sociology Database - SCOPUS معیارهای ورود مقالات به مرور برای اینکه مقاله‌ای در این مرور گنجانده شود، باید شرایط زیر را دارا می‌بود: - به زبان فرانسوی یا انگلیسی منتشر شده باشد. - در مجله‌ای علمی با فرایند داوری همتا (Peer Review) منتشر شده باشد. - به خلق آثار هنری یا استفاده از استعاره، در ارتباط با موضوع مرگ (پایان زندگی یا خودکشی)، پرداخته باشد. - شرکت‌کنندگان در مطالعات، افراد ۱۸ سال به بالا باشند. معیارهای خروج مقالات مقالاتی که در آن‌ها از خلق آثار هنری یا استعاره برای مداخله با کارکنان و ارائه‌دهندگان خدمات مراقبتی (Soignants) استفاده شده بود، از مرور کنار گذاشته شدند. نتایج فرایند انتخاب مقالات از میان ۱۴۷۲ مقاله که در ابتدا شناسایی و انتخاب شدند، در نهایت ۳۵ مقاله در این جمع‌بندی گنجانده شدند. مشخصات کامل منابع این مقالات در بخش کتاب‌شناسی (Bibliographie) ارائه شده است. شماره‌هایی که به‌صورت بالانویس در بخش‌های بعدی آمده‌اند، به منابع مربوطه در فهرست کتاب‌شناسی اشاره دارند.

تأثیرات استعاره‌پردازی درباره مرگ بر بهزیستی

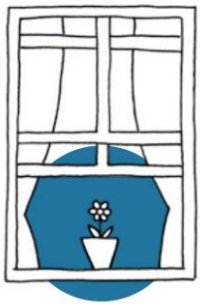

مدیریت علائم و نشانه‌ها

- استعاره‌پردازی درباره مرگ می‌تواند:
- شدت علائم و نشانه‌های ناخوشایند مرتبط با بیماری را کاهش دهد. [۴۶]
- از طریق ایجاد احساس لذت و آرامش، به تسکین اضطراب‌ها و نگرانی‌هایی که افراد تجربه می‌کنند، کمک کند. [۴۶]
- کیفیت خواب را بهبود بخشد و در نتیجه، میزان انرژی در دسترس فرد را افزایش دهد. [۳۷]
- اضطراب را کاهش دهد؛ این امر بر مؤلفه‌های عاطفی و هیجانی درد تأثیر می‌گذارد و موجب کاهش شدت درد تجربه‌شده و بهبود بهزیستی فرد می‌شود. [۲۵]
- به افراد امکان دهد برای مدت کوتاهی درد خود را فراموش کنند؛ زیرا توجه آن‌ها از وضعیت جسمانی‌شان به موضوع دیگری معطوف می‌شود. [۳۷]
- سطح سروتونین مغز را افزایش دهد. سروتونین یک ماده شیمیایی مرتبط با افسردگی است و افزایش آن می‌تواند به کاهش علائم افسردگی در افراد کمک کند. [۵]

شکستن انزوای اجتماعی

استعاره‌پردازی می‌تواند:

- به برقراری ارتباط و پیوند با دیگران کمک کند. [۵]
- اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس افرادی را که با مرگ مواجه هستند تقویت کند و در نتیجه، آن‌ها را به بیان افکار و احساسات خود تشویق کند. [۲۵]
- از طریق فعالیت‌هایی مانند موسیقی، افراد را به یکدیگر نزدیک‌تر کند. [۵۰]
- از طریق هنردرمانی، موضوعی مشترک برای گفت‌وگو میان فرد، اعضای خانواده و کارکنان فراهم کند. [۴۶]

پذیرش وضعیت خود

- استعاره‌پردازی می‌تواند:
- به فرد کمک کند برخی امور را رها کند و از سخت‌گیری نسبت به خود بکاهد. برای مثال، فرد تشویق می‌شود در خلق اثر هنری، به اندازه زندگی روزمره خود کمال‌گرا نباشد و در برخورد با خودش، صبر و مدارا بیشتری به خرج دهد. [۵]
- راهی غیرمستقیم برای گفت‌وگو درباره آینده و در نتیجه، مرگ فراهم کند؛ بدون آنکه فرد بیش از حد با موضوع مواجهه مستقیم و دشوار داشته باشد. [۵۴]
- زمینه آشتی فرد با خودش را فراهم کند و به او کمک کند وضعیت خود را بهتر درک کند و در ادامه، آن را بهتر بپذیرد. [۸ و ۳۴]
- امکان بازنگری در زندگی و مرور گذشته را فراهم کند و از این طریق، به فرد کمک کند مرگ را به‌عنوان بخشی طبیعی از زندگی بهتر بپذیرد. این فرایند می‌تواند پذیرش وضعیت را در فردی که در مسیر پایان زندگی قرار دارد، تسهیل کند. [۵۶]

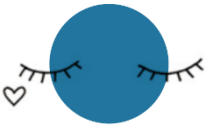

افزایش عزت‌نفس

- از طریق تقویت عزت‌نفس، به افراد احساس موفقیت و دستاورد می‌دهد و خودکارآمدی (Self-efficacy) آن‌ها را افزایش می‌دهد. [۵۶]
- احساس تسلط و توانمندی ایجاد می‌کند و از این طریق عزت‌نفس را بهبود می‌بخشد. [۱۰]
- به فرد امکان می‌دهد خود را انسانی «توانمند» ببیند، نه صرفاً فردی بیمار. [۴۶]

گریز و فاصله‌گیری موقت



- بر احساس «رها کردن» یا «دست از کنترل برداشتن» (Lâcher prise) تأثیر مثبتی دارد؛ به‌گونه‌ای که فرد می‌تواند واقعاً خود را درگیر فعالیت کند و برای مدتی از جنبه‌های منفی و اضطراب‌آور وضعیت خود، مانند علائم بیماری، شرایط بستری در بیمارستان و ترس‌هایش فاصله بگیرد. [۲۹]
- از طریق لذت و احساس سرگرم‌شدن و مشغولیت ذهنی که هنردرمانی یا استعاره‌پردازی ایجاد می‌کند، اثر حواس‌پرتی (Distraction) را تقویت می‌کند. [۶، ۸، ۴۶]

احساس کنترل داشتن

- فرد را ملزم می‌کند چندین تصمیم بگیرد؛ مانند انتخاب مواد و ابزار، موضوع پروژه و موسیقی. [۵، ۵۹]
- هنگامی که فرد بر فعالیتی متمرکز می‌شود که بدنش را نیز درگیر می‌کند، احساس اتصال به لحظه و استقرار (Grounding) در او ایجاد می‌شود. [۱۱]

ایجاد یا بازیابی یک نقش

- این امکان را فراهم می‌کند که فرد از طریق خلق یک اثر هنری، مروری بر زندگی خود داشته باشد؛ به این ترتیب، آنچه در گذشته و اکنون برایش معنا و اهمیت داشته است و نیز نقش‌های پیشین و فعلی خود در زندگی، از جمله نقش هنرمند، برایش یادآوری می‌شوند. [۱۳]
- به برخی افراد کمک می‌کند تا معنا و نقشی تازه به‌عنوان یک هنرمند پیدا کنند؛ نقشی که از طریق آن بتوانند فعال و مشارکت‌کننده باشند. [۱]
- با افزودن نقش هنرمند به نقش‌های فرد، انگیزه، شادی، سرگرمی، رضایت، احساس خودکارآمدی و بهزیستی او را افزایش می‌دهد. [۸، ۵۶]

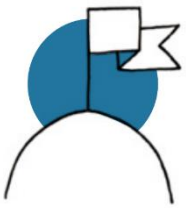

تقویت ارتباط از طریق استعاره‌پردازی

ارتباط با خود

- امکان تأمل درباره خود، بازنگری در زندگی و کاوش در ناخودآگاه را فراهم می‌کند. [۲۹]
- فرصتی برای اندیشیدن و پرسشگری درباره هیجان‌ها و افکار فرد ایجاد می‌کند. [۲۹]
- به خودشناسی بیشتر کمک می‌کند؛ امری که تأثیر مثبتی بر پذیرش وضعیت فرد و همچنین بیان هیجان‌های او دارد. [۲۹]
- بیان احساسات و افکار را تسهیل می‌کند؛ چه از طریق تفسیر رنگ‌ها، شکل‌ها و بافت‌ها و چه از طریق تفسیر محتوای اثر، مانند استعاره‌ها و نمادها. [۲۹]
- از طریق ایجاد پیوند معنوی با اثر هنریِ خلق‌شده، نگرشی تازه نسبت به پایان زندگی فراهم می‌کند. [۲۹]
- به فرد کمک می‌کند تا با یادآوری خاطرات و رویدادهای تجربه‌شده، مروری بر زندگی خود داشته باشد. [۱۳]
- به زندگی معنا می‌بخشد. [۱۳]
- امکان به‌اشتراک‌گذاشتن احساسات و تجربه‌های فرد درباره وضعیت خود و نزدیک بودن پایان زندگی را فراهم می‌کند. [۳]

بهبود روابط اجتماعی

- به افراد امکان می‌دهد با نزدیکان خود ارتباط برقرار کنند و احتمالاً روابطشان را بازتنظیم کنند؛ زیرا شناخت بهتری از هیجان‌های خود پیدا می‌کنند. [۴۵]
- فضایی مناسب برای افراد فراهم می‌کند تا درباره موضوعات مختلف با یکدیگر گفت‌وگو کنند و تجربه‌هایشان را به اشتراک بگذارند. [۲۲، ۴۶]
- به افراد امکان می‌دهد درباره هیجان‌های خود با دیگران تبادل نظر کنند، با آن‌ها همکاری داشته باشند و روابط اجتماعی خود را بهبود بخشند؛ از جمله از طریق تقویت مهارت گوش‌دادن و احترام متقابل. [۵۶]

برقراری ارتباط بدون نیاز به بیان مستقیم موضوعات

- شیوه‌ای برای بیان فراهم می‌کند که محدود به گفتار و کلام نیست. [۱۱]
- نخستین بیانِ تمایل به مردن را تسهیل می‌کند؛ تمایلی که اغلب بیان صریح و کلامی آن دشوار است. [۵۷]
- فرایندهای حسی گوناگونی را برای برقراری ارتباط در اختیار فرد قرار می‌دهد. [۳۸]
- امکان بیان و برقراری ارتباط را، چه به‌صورت کلامی و چه غیرکلامی، فراهم می‌کند. [۱۱، ۴۹، ۵۶]
- افراد را به بیان خود از طریق شیوه‌های مختلفی مانند گفتار، موسیقی، استعاره و عناصر هنری سوق می‌دهد. [۱۱، ۴۹، ۵۶]
- با ایجاد پیوند میان فرد و کاردرمانگر، به او کمک می‌کند تا درباره هیجان‌ها، احساسات و تجربه‌های درونی خود در ارتباط با پایان زندگی یا زندگی به‌طور کلی، راحت‌تر صحبت کند و آن‌ها را آشکار سازد. [۱۱، ۴۹، ۵۶]
- بیان برخی احساسات را بدون نیاز به ارتباط کلامی تسهیل می‌کند. [۲۲، ۴۵، ۵۵]
- بیان کلامی موضوعات حساس و دشوار را آسان‌تر می‌کند؛ زیرا به فرد امکان می‌دهد درباره بیماری و آینده خود به شیوه‌ای متفاوت صحبت کند و از واژگانی استفاده کند که با آن‌ها احساس راحتی بیشتری دارد. [۵۳]
- به افراد امکان می‌دهد از موقعیت خود (شرایط پایان زندگی) فاصله بگیرند تا بتوانند بهتر درباره آن صحبت کنند. [۵۳]

نمادپردازی زندگی و مرگ از طریق خلق استعاره‌ای



معنویت

- به تحولی درونی منجر می‌شود که می‌تواند به کاهش رنج کمک کند. [۳۷]
- امکان برقراری پیوندی معنوی میان فرد و اثر هنری‌اش را فراهم می‌کند؛ پیوند و ارتباط با خود، با دیگران و با «دیگری». [۳۹]
- دریچه‌ای به سوی موضوعات خصوصی و شخصی، از جمله بیان معنوی، می‌گشاید. [۳۷]
- پرسش‌هایی درباره معنای زندگی و مرگ، گذشته، تصور و ترسیم آینده و تجربه پس از مرگ برمی‌انگیزد. [۳۹]

سوگواری‌ها و فقدان‌ها

- امکان پرداختن به موضوع مرگ قریب‌الوقوع خود فرد را فراهم می‌کند. [۴۶]
- به فرد اجازه می‌دهد از طریق موضوعات و استعاره‌های دیگری، مانند صعود از کوه یا امواج، به سوگواری و تجربه فقدان خود بپردازد. [۵۴]

موضوعات بازنمایی‌شده

- احساسات مرتبط با خودکشی، مانند ناامیدی، نفرت از خود، خشونت، انزوا و خشم. [۵۷]
- بازنمایی مرگ از طریق تشبیه‌ها، نمادها، اشیا یا داستان‌ها. [۳]
- ممکن است موضوعات دیگری نیز پدیدار شوند؛ مانند درخت، باغ، مانع یا حصار، کودکی، معصومیت، نوجوانی، مسئولیت‌پذیری و خودشناسی. [۳۰]

کتاب‌شناسی

منابع به زبان اصلی (فرانسوی و انگلیسی) و با شماره‌گذاری نسخه‌ی اصلی آمده‌اند؛ شماره‌های بالانویسِ پیوست به همین شماره‌ها ارجاع می‌دهند.

۱. Abdulah DM et Abdulla BMO. (۲۰۲۰). Suicidal ideation and attempts following a short-term period of art-based intervention: An experimental investigation. Arts in Psychotherapy, ٦٨. https://search.ebscohost.com/login.aspx?direct=true&db=amed&AN=٥٠٠٩٤٧٧&site=ehost-live

۲. Arksey H and O'Malley L (۲۰۰٥). Scoping studies: Towards a methodological framework. International Journal of Social Research Methodology ٨(١): ١٩–٣٢. https://doi.org/١٠,١٠٨٠/١٣٦٤٥٥٧٠٣٢٠٠٠١١٩٦١٦

۳. Bedford-Strohm, D. (۲۰۰۸). Preparation for death in sandplay therapy: A journey into light. Journal of Sandplay Therapy, ١٧(١), ٨١–٩٥.

٤. Bromwich, C. (۲۰۲۲, ۲ février). Parlons de la fin de vie avec un grand sourire.

٥. Buday, K. M. (۲۰۱۳). Engage, empower, and enlighten: Art therapy and image making in hospice care. Progress in Palliative Care, ٢١(٢), ٨٣–٨٨. https://doi.org/١٠,١١٧٩/١٧٤٣٢٩١X١٣Y.٠٠٠٠٠٠٠٠٥٠

٦. Burke, A. (۲۰۱٦). Catheters & canvases – using art therapy in palliative care. Kai Tiaki Nursing New Zealand, ٢٢(١١), ٢٨–٣٠.

٧. Cameron, L. (۲۰۰۳). Metaphor in Educational Discourse. Bloomsbury Academic.

٨. Collette, N., Güell, E., Fariñas, O. et Pascual, A. (۲۰۲١). Art Therapy in a Palliative Care Unit: Symptom Relief and Perceived Helpfulness in Patients and Their Relatives. Journal of Pain and Symptom Management, ٦١(١), ١٠٣–١١١. https://doi.org/١٠,١٠١٦/j.jpainsymman.٢٠٢٠,٠٧,٠٢٧

٩. Connell, C. (١٩٩٢). Art therapy as part of a palliative care programme. Palliative Medicine, ٦(١), ١٨–٢٥. https://doi.org/١٠,١١٧٧/٠٢٦٩٢١٦٣٩٢٠٠٦٠٠١٠٤

١٠. Devlin B. (۲۰۰٦). Art therapy. The art of healing and knowing in cancer and palliative care. International Journal of Palliative Nursing, ١٢(١), ١٦–١٩. https://doi.org/١٠,١٢٩٦٨/ijpn.٢٠٠٦,١٢,١,٢٠٣٩١

١١. Dolder, B. (۲۰۰٧). Spiritual space and art therapy in palliative care. InfoKara, ٢٢(٣), ٧٩–٨٧. https://doi.org/١٠,٣٩١٧/inka.٠٧٣,٠٠٧٩

١٢. Feifel, H. et Nagy, V. T. (١٩٨١). Another look at fear of death. Journal of Consulting and Clinical Psychology, ٤٩(٢), ٢٧٨–٢٨٦. https://doi.org/١٠,١٠٣٧//٠٠٢٢-٠٠٦x.٤٩,٢,٢٧٨

١٣. Furman, L. R. (۲۰۱١). Last breath: Art therapy with a lung cancer patient facing imminent death. Art Therapy, ٢٨(٤), ١٧٧–١٨٠. https://doi.org/١٠,١٠٨٠/٠٧٤٢١٦٥٦,٢٠١١,٦٢٢٦٩٠

١٤. Gagnier, J. J., Lai, J., Mokkink, L. B. et Terwee, C. B. (۲۰۲١). COSMIN reporting guideline for studies on measurement properties of patient-reported outcome measures. Quality of Life Research, ٣٠(٨), ٢١٩٧–٢٢١٨. https://doi.org/١٠,١٠٠٧/s١١١٣٦-٠٠٢١-٠٢٨٢٢-٤

١٥. Ganzon, C., O'Callaghan, C. et Dwyer, J. (۲۰۲٠). "Art on Behalf": Introducing an accessible art therapy approach used in palliative care. Arts in Psychotherapy, ٦٧. https://doi.org/١٠,١٠١٦/j.aip.٢٠١٩,١٠١٦١٦

١٦. Gibbs, R. Jr. (١٩٩٤). The poetics of mind. Cambridge University Press.

١٧. Givens, S. J. (۲۰۰۸). Home hospice art therapy: Re-storying the therapist as an invited guest. Art Therapy, ٢٥(٣), ١٣٤–١٣٦. https://doi.org/١٠,١٠٨٠/٠٧٤٢١٦٥٦,٢٠٠٨,١٠١٢٩٦٠١

١٨. Gouvernement du Canada, S. C. (۲۰۲۲, ٢٤ janvier). Décès, selon le mois. https://www١٥٠.statcan.gc.ca/t١/tbl١/fr/tv.action?pid=١٣١٠٠٧٠٨٠١

١٩. Guay, M., Drolet, M-J., Kuhne, N., Talbot-Coulombe, C., Mortenson, B. (sous presse) What If Deliberately Dying Is an Occupation?. American Journal of Occupational Therapy. https://doi.org/١٠,٥٠١٤/ajot.٢٠٢٢,٠٤٧٢٥٧

٢٠. Hanes, M. J. (۲۰۰۸). Signs of Suicide: Using Road Drawings With Inmates on Suicide Observation at a County Jail. Art Therapy, ٢٥(٢), ٧٨–٨٤. https://doi.org/١٠,١٠٨٠/٠٧٤٢١٦٥٦,٢٠٠٨,١٠١٢٩٤١٨

٢١. Hlén, J. O., Ekman, I., Zingmark, K., Bolmsjö, I. et Benzein, E. (۲۰١٤). Conceptual development of « at-homeness » despite Illness and disease: A review. International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being, ٩(١). https://doi.org/١٠,٣٤٠٢/qhw.v٩,٢٣٦٧٧

٢٢. Jackson, M. (١٩٩٥). Music therapy for living: A case study on a woman with breast cancer. Canadian Journal of Music Therapy, ٣(١), ١٩–٣٣.

٢٣. Lakoff, G., & Johnson, M. (١٩٨٠). Metaphors we live by. Chicago University Press.

٢٤. Lakoff, G., & Johnson, M. (١٩٩٩). Philosophy in the flesh. Basic Books.

٢٥. Lefèvre, C., Economos, G., Tricou, C., Perceau-Chambard, É. et Filbet, M. (۲۰۲٠). Art therapy and social function in palliative care patients: A mixed-method pilot study. BMJ Supportive and Palliative Care. https://doi.org/١٠,١١٣٦/bmjspcare-٢٠١٩-٠٠١٩٧٤

٢٦. Lefèvre, C., Ledoux, M. et Filbet, M. (۲۰١٦). Art therapy among palliative cancer patients: Aesthetic dimensions and impacts on symptoms. Palliative and Supportive Care, ١٤(٤), ٣٧٦–٣٨٠. https://doi.org/١٠,١٠١٧/S١٤٧٨٩٥١٥١٥٠٠١٠١٧

٢٧. Levac, D., Colquhoun, H. et O'Brien, K. K. (۲۰١٠). Scoping studies: advancing the methodology. Implementation Science, ٥(١), ٦٩. https://doi.org/١٠,١١٨٦/١٧٤٨-٥٩٠٨-٥-٦٩

٢٨. Lin, M.-H., Moh, S.-L., Kuo, Y.-C., Wu, P.-Y., Lin, C.-L., Tsai, M.-H., Chen, T.-J. et Hwang, S.-J. (۲۰١٢). Art therapy for terminal cancer patients in a hospice palliative care unit in Taiwan. Palliative and Supportive Care, ١٠(١), ٥١–٥٧. https://doi.org/١٠,١٠١٧/S١٤٧٨٩٥١٥١١٠٠٠٥٨٧

٢٩. Mauvenu, S. et Guastella, V. (۲۰١٧). Art therapy in palliative care unit: A possible support until preagonal stage. Medecine Palliative, ١٦(١), ٤٩–٥٦. https://doi.org/١٠,١٠١٦/j.medpal.٢٠١٦,٠٧,٠٠٢

٣٠. Mayo, S. (١٩٩٦). Symbol, metaphor and story. The function of group art therapy in palliative care. Palliative Medicine, ١٠(٣), ٢٠٩–٢١٦. https://doi.org/١٠,١١٧٧/٠٢٦٩٢١٦٣٩٦٠١٠٠٠٣٠٥

٣١. Mazza, N. (١٩٩٩). Poetry therapy: Interface of the arts and psychology. Boca Raton, FL: CRC Press.

۳۴. McLennan, J., Akande, A. et Bates, G. W. (۱۹۹۳). Death anxiety and death denial: Nigerian and Australian students' metaphors of personal death. The Journal of Psychology, ۱۲۷(٤), ۳۹۹–٤۰۷. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۰۰۲۲۳۹۸۰,۱۹۹۳,۹۹۱۰۰۷٥

۳۳. Meghani, S. H., Peterson, C., Kaiser, D. H., Rhodes, J., Rao, H., Chittams, J. et Chatterjee, A. (۲۰۱۸). A Pilot Study of a Mindfulness-Based Art Therapy Intervention in Outpatients With Cancer. American Journal of Hospice and Palliative Medicine, ۳٥(۹), ۱۱۹٥–۱۲۰۰. https://doi.org/۱۰,۱۱۷۷/۱۰٤۹۹۰۹۱۱۸۷٦۰۳۰٤

۳٤. Meunier, S. (۲۰۰۹). The sympathetic-empathetic clown in an adult palliative care unit. Medecine Palliative, ۸(٤), ۲۰۹–۲۱۲. https://doi.org/۱۰,۱۰۱٦/j.medpal.۲۰۰۸,۱۲,۰۰۷

۳٥. Morrow, S. L., Allen, S. C. et Campbell, B. W. (۱۹۹۷). Dancing in the sky: Enhancing quality of life for people with AIDS- related dementia and their caregivers. Psychotherapy, ۳٤(۳), ۳۲٤–۳۳۲. https://doi.org/۱۰,۱۰۳۷/h۰۰۸۷۷٤۷

۳٦. Moss, M. S., Moss, S. Z., Rubinstein, R. L. et Black, H. K. (۲۰۰۳). Metaphor of « family » in staff communication about dying and death. Journals of Gerontology: Series B: Psychological Sciences and Social Sciences, ٥۸B(٥), S۲۹۰–S۲۹٦.

۳۷. Munro, S. et Mount, B. (۱۹۷۸). Music therapy in palliative care. Canadian Medical Association Journal, ۱۱۹(۹), ۱۰۲۹–۱۰۳٤.

۳۸. Nan, J. K. M., Lau, B. H.-P., Szeto, M. M. L., Lam, K. K. F., Man, J. C. N. et Chan, C. L. W. (۲۰۱۸). Competence Enhancement Program of Expressive Arts in End-of-Life Care for Health and Social Care Professionals: A Mixed-Method Evaluation. American Journal of Hospice and Palliative Medicine, ۳٥(۹), ۱۲۰۷–۱۲۱٤. https://doi.org/۱۰,۱۱۷۷/۱۰٤۹۹۰۹۱۱۸۷٦٥٤۱۰

۳۹. Nekolaichuk, C. (۲۰۱۸). Living in the Space Between: Integrating Art Therapy Techniques in Palliative Care (La vie dans l'entre-deux : intégration des techniques d'art-thérapie dans les soins palliatifs). Canadian Art Therapy Association Journal, ۳۱(۲), ۸٤–۹۳. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۰۸۳۲۲٤۷۳,۲۰۱۸,۱٥۲۲٥۷۱

٤۰. O'Brien, B. C., Harris, I. B., Beckman, T. J., Reed, D. A. et Cook, D. A. (۲۰۱٤). Standards for Reporting Qualitative Research: A Synthesis of Recommendations. Academic Medicine, ۸۹(۹), ۱۲٤٥–۱۲٥۱. https://doi.org/۱۰,۱۰۹۷/ACM.۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۸۸

٤۱. Office québécois de la langue française (۲۰۲۳). DÉCÉDER et MOURIR : nuances de sens. Consulté le ۲۱ avril ۲۰۲۳ https://vitrinelinguistique.oqlf.gouv.qc.ca/۲۳۸٦۳/le-vocabulaire/nuances-semantiques/difference-entre-deceder-et-mourir

٤۲. Office québécois de la langue française (۲۰۲۳). Métaphorisation. Consulté le ۲۱ avril ۲۰۲۳ https://vitrinelinguistique.oqlf.gouv.qc.ca/fiche-gdt/fiche/۱۷۰٦٥۹۱۹/metaphorisation

٤۳. Ortony, A. (۱۹۹۳). Metaphor and Thought (۲ edition). Cambridge University Press.

٤٤. Reiter, S. (۱۹۹۷). Poetry therapy: Testimony on Capitol Hill. Journal of Poetry Therapy, ۱۰, ۱٦۹–۱۷۸.

٤٥. Rhondali, W., Barmaki, M., Laurent, A. et Filbet, M. (۲۰۰۷). Art until the end of life. Psycho-Oncologie, ۱(۳), ۱۹٥–۱۹۹. https://doi.org/۱۰,۱۰۰۷/s۱۱۸۳۹-۰۰۷-۰۰۳۱-۳

٤٦. Rhondali, W., Chirac, A. et Filbet, M. (۲۰۱۲). Art therapy in palliative care: A qualitative study. Medecine Palliative, ۱۲(٦), ۲۷۹–۲۸٥. https://doi.org/۱۰,۱۰۱٦/j.medpal.۲۰۱۲,۱۱,۰۰۲

٤۷. Ritchie, D. (۲۰۰۳). "ARGUMENT IS WAR"—Or is it a game of chess ? Multiple meanings in the analysis of implicit metaphors. Metaphor and Symbol, ۱۸, ۱۲٥-۱٤٦.

٤۸. Ross, L. M. et Pollio, H. R. (۱۹۹۱). Metaphors of Death: A Thematic Analysis of Personal Meanings. OMEGA - Journal of Death and Dying, ۲۳(٤), ۲۹۱–۳۰۷. https://doi.org/۱۰,۲۱۹۰/LA٤N-FKAT-WFDN-F۱ND

٤۹. Rothwell, K. (۲۰۰۸). Lost in translation: Art psychotherapy with patients presenting suicidal states. International Journal of Art Therapy, ۱۳(۱), ۳–۱۳. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۰/۱۷٤٥٤۸۳۰۸۰۲۱۰۲۳۱٤

٥۰. Salmon, D. (۱۹۹۳). Music and Emotion in Palliative Care. Journal of Palliative Care, ۹(٤), ٤۸–٥۳. https://doi.org/۱۰,۱۱۷۷/۰۸۲٥۸٥۹۷۹۳۰۰۹۰۰٤۱۳

٥۱. Santarpia, A. (۲۰۲۱). Guérir du cancer à travers les métaphores corporelles. Cancer(s) et Psy(s), ٥(۱), ۳۳–٤۳

٥۲. Silverman, Y., Smith, F. et Burns, M. (۲۰۱۳). Coming together in pain and joy: A multicultural and arts-based suicide awareness project. Arts in Psychotherapy, ٤۰(۲), ۲۱٦–۲۲۳. https://doi.org/۱۰,۱۰۱٦/j.aip.۲۰۱۳,۰۲,۰۰۳

٥۳. Southall, D. (۲۰۱۳). The patient's use of metaphor within a palliative care setting: Theory, function and efficacy. A narrative literature review. Palliative Medicine, ۲۷(٤), ۳۰٤–۳۱۳. https://doi.org/۱۰,۱۱۷۷/۰۲٦۹۲۱٦۳۱۲٤٥۱۹٤۸

٥٤. Spall, B., Read, S. et Chantry, D. (۲۰۰۱). Metaphor: exploring its origins and therapeutic use in death, dying and bereavement. International journal of palliative nursing, ۷(۷), ۳٤٥–۳٥۳. https://doi.org/۱۰,۱۲۹٦۸/ijpn.۲۰۰۱,۷,۷,۹۰۱۹

٥٥. Srolovitz, M., Borgwardt, J., Burkart, M., Clements-Cortes, A., Czamanski-Cohen, J., Ortiz Guzman, M., Hicks, M. G., Kaimal, G., Lederman, L., Potash, J. S., Yazdian Rubin, S., Stafford, D., Wibben, A., Wood, M., Youngwerth, J., Jones, C. A. et Kwok, I. B. (۲۰۲۲). Top Ten Tips Palliative Care Clinicians Should Know about Music Therapy and Art Therapy. Journal of Palliative Medicine, ۲٥(۱), ۱۳٥–۱٤٤. https://doi.org/۱۰,۱۰۸۹/jpm.۲۰۲۱,۰٤۸۱

٥٦. Sungeun Park et Hyunjoo Song. (۲۰۲۰). The Art Therapy Experiences of Patients and Their Family Members in Hospice Palliative Care. Korean Journal of Hospice & Palliative Care, ۲۳(٤), ۱۸۳–۱۹۷. https://doi.org/۱۰,۱٤٤۷٥/kjhpc.۲۰۲۰,۲۳,٤,۱۸۳

٥۷. Wadeson, H. (۱۹۷٥). Suicide: Expression in images. American Journal of Art Therapy, ۱٤(۳), ۷٥–۸۲.

٥۸. Warner, M. (۲۰۰۱). The Structure of Metaphor: The Way the Language of Metaphor Works. Roger M. White. The British Journal of Aesthetics, ٤۱(۳), ۳۳۳–۳۳۷. https://doi.org/۱۰,۱۰۹۳/bjaesthetics/٤۱,۳,۳۳۳

٥۹. West, T. M. (۱۹۹٤). Psychological Issues in Hospice Music Therapy. Music Therapy Perspectives, ۱۲(۲), ۱۱۷–۱۲٤. https://doi.org/۱۰,۱۰۹۳/mtp/۱۲,۲,۱۱۷